

۸ هفته حاشیه، هیاهو و دیگر هیچ

«لیگ برتر» پتگی بر سر فوتبال

فریدون حسن

هشت هفته از آغاز لیگ بر تر گذشته، امروز و در آستانه شروع هفته نهم این رقابت‌ها شاید هنوز هم خیلی‌ها بر این باور باشند که نمی‌توان به درستی در مورد وضعیت تیم‌ها حرف زد، شاید خیلی‌ها بر این باور باشند که هنوز برای قضاوت زود است. در پاسخ این عده فقط می‌توان یک چیز گفت و آن اینکه امروز فوتبال روز دنیا جلوی چشم‌مان است. وقتی می‌بینیم دیگران چگونه پیشرفت کرده‌اند، وقتی خبر می‌آید آسیایی‌ها دیگر آسیایی فکر نمی‌کنند و می‌خواهند خودشان را جدا کنند و وقتی سطح بالای فوتبال جهان هر ساعت برای‌مان نمایش داده می‌شود، آن وقت گذشت هشت هفته پوچ و خالی از هر نبوغ، تکنیک و تاکتیک می‌شود یک پتک که بر سر فوتبال ایران کوبیده می‌شود.

فوتبال ایران فقط با سروصدا و حاشیه سر پا مانده؛ فوتبالی که پولپاشی کاری کرده که از درون پوسیده شده، مثل دندان‌کی که فقط ظاهر زیبا دارد اما از درون سیاه و فاسد

شده، اینقدر فاسد که به عصب زده و درد آن تحمل‌ناپذیر است. فوتبال ایران چنین شرایطی دارد. نگاه به برنامه‌ها و خبرهای رنگ و لعاب‌دار نکنید. خوب که دقت کنید به وضوح پای دلال‌ها را در آنها مشاهده می‌کنید؛ همان‌ها که اگر در فوتبال تخته شود از نان خوردن می‌افتند، بنابراین هر طور شده می‌خواهند این موجود رو به مرگ و افول را سر پا نگه دارند. به هر حال تا فوتبال بیت‌المال خور هست، آنها می‌توانند سر این سفره بنشینند و لقمه‌های آنچنانی بردارند.

از لیگ حرف می‌زنیم؛ لیگی که باید پویا باشد، اما هشت هفته گذشته و جز سر خوردگی، جز بازی‌های بی‌کیفیت، جز عدم برنامه‌ریزی درست، جز نداشتن زیر ساخت و حتی ورزشگاه، جز ریخت و پاش‌های آنچنانی و جز حضور مدیران ناکارآمد با اهداف خاص چیزی نداشتند، شما هم جست‌وجو کنید اگر جز این چیزی پیدا کردید ما مشتاقانه از آن استقبال می‌کنیم و با شادی فراوان آن را به عنوان یک پیشرفت فریاد می‌زنیم، ولی باور کنید که جز مواردی که

عنوان شد فوتبال ایران و لیگ بر تر آن چیزی نداشتند، ندارد و پایین رویه نخواهد داشت. هشت هفته از لیگ بر تر گذشته و بسیار دردآور است که بگویم هیچ چیزی عایدمان نشده، هشت هفته از لیگ بر تر گذشته و هیچ تفاوتی بین تیم‌های بزرگ و کوچک وجود ندارد. برخی که نمی‌خواهند سفره بیت‌المال خوری جمع شود، اسمش را گذاشته‌اند «رقابت سخت»، اسمش را گذاشته‌اند «زدیکی تیم‌ها به هم» یا حاشیه امنیت نداشتن مدعیان، اما مگر در لیگ انگلستان، لالیگا، سری‌ا، بوندس لیگا یا حتی لیگ‌های کشورهای اطراف‌مان رقابت سخت وجود ندارد؟ مگر مدعیان آنها در حاشیه امنیت هستند؟ پس چگونه است که در این لیگ‌ها اینقدر تحرک و زیبایی وجود دارد اما در لیگ ایران چیز هیاهو چیز دیگری نیست.

آنچه در پی می‌آید نگاهی کوتاه و گذرا به حواشی و اتفاقات هشت هفته گذشته لیگ بر تر فوتبال است؛ لیگی که هیچ شباهتی به فوتبال حرفه‌ای جهان ندارد.



خنجر سوءمدیریت بر پیکر سرخابی‌ها

شیوانوروزی

سوءمدیریت کمر فوتبال ایران را شکسته و باتوجه به حضور پررنگ مدیران ناکارآمد در رأس امور، این رشته پرهزینه و بدون بازده هر روز بیشتر از قبل در باتلاق بی‌کفایتی فرو می‌رود. در این بین وضعیت باشگاه‌ها به مراتب بدتر است؛ از آنجا که تیم‌های‌شان لیگ‌بر تر هستند و برای خرید بازیکن و مربی هزینه‌های گزافی پرداخت می‌شود، مردم و اهالی ورزش منتظرند در خشش این تیم‌ها را ببینند، منتها سوءمدیریت‌های کلان جوری کمر تیم‌های پرطرفدار و پرهزینه را شکسته که به رغم همه ریخت‌وپاش‌های‌شان خبری از ارائه فوتبال باکیفیت نیست! سرخابی‌های پایتخت نمونه‌های بسیار خوب و شناخته‌شده‌ای برای تأیید این ادعا هستند. پرسپولیس و استقلال دو قطب اصلی فوتبال کشورمان، سال‌هاست اسیر دست مدیران بی‌کفایتی شده‌اند که برای حیف و میل کردن بودجه دولتی و کسب شهرت، از گرفتن تصمیمات مخرب و زیان‌آور و به بار آوردن هر گونه افتضاحات داخلی و خارجی اجابتی ندارند. این دو باشگاه اگر چه اسما به بخش خصوصی واگذار شده و دیگر



ارتباطی با وزارت ورزش ندارند، ولی اداره شدن از سوی کنسرسیوم بانکی و همچنین هلدینگ پتروشیمی به معنی آن است که همچنان از پول مردم برای پرداخت پول‌های بی‌زبان به بازیکنان و مربیان بی‌کیفیت استفاده می‌شود. استقلال مدیرعامل ندارد ولی در عوض سرپرست مدیرعاملی باشگاه همچنان همه‌کاره و نماینده هلدینگ است و یک‌تنه کار را پیش می‌برد، البته به روش خودش! تاجرنیا، همان مدیر سیاسی که حالا به شدت فوتبالی شده و البته برای حضور در جبهه‌های دیگر نیز خیز برداشته، در فصل نقل و انتقال جوری آتش به اختیار عمل کرد و جوری پول به پای خارجی‌های بی‌کیفیت گران‌قیمت ریخت که چشم بازار را در آورد. با همین روش و تفکر است که رئیس هیئت‌مدیره فقط ۱۰ میلیون دلار خرج خرید بازیکن جدید کرده و از بیان این رقم ابایی هم ندارد. پرداخت یکمیلیون و ۶۰۰ هزار دلار برای به خدمت گرفتن دیدید اندونگ، همان بازیکنی که بیش از یک هفته غیبت داشت و به ضمانت نیامد، بخشی از این مخارج است. استقلال برای گرفتن رضایت‌نامه سحر خیزان ۲میلیون دلار، آسانی یکمیلیون دلار و جنیو ۹۰۰ هزار



سرنوشت هاشمیان در انتظار نویدکیا و ساپینتو؟

مسرفسنجان (تیم قعرنشین لیگ) و همچنین الوحدات اردن که سال‌هاست دیگر آن ابهت سابق خود را ندارد و ملی‌پوشان این کشور حاضر به پوشیدن پیراهن‌ش نیستند، توانست سرمربی استقلال را از بحران نجات دهد، هرچند ساپینتو همان زمان که مدیریت باشگاه مانند هواداران از عملکردش ناراضی بودند و او را برای بازخواست خواسته بودند، نه فقط در جلسه هیئت مدیره حاضر نشده بود که پیغام فرستاده بود قصدی برای جدایی مسالمت‌آمیز ندارد و شاید همین مسئله باعث شد مدیران استقلال دندان سرگرد بگذارند و باز هم به او وقت دهند؛ فرصتی که البته ساپینتو بهترین استفاده را از آن برد، هر چند مشخص نیست او می‌تواند این روند را ادامه دهد یا نه. نویدکیا هم این روزها در شرایط دشواری قرار دارد. او که پیش از این نیز سکان هدایت سپاهان را به دست داشته و دالخوروی از جمع زردپوشان اصفهانی جدا شده، این بار بعد از پا پس کشیدن کارتون از ادامه حضورش در سپاهان بود که دست یاری به سوی این تیم دراز کرد. سپاهان فصل گذشته هزینه هنگفتی برای کسب عنوان قهرمانی کرده بود که نتوانست از عهده آن برآید و این فصل نیز با هدف جبران مافات باز هم همان راه را رفت اما بعد از گذشت هفت هفته از رقابت‌های لیگ نتوانسته نتایج قابل قبولی کسب کند و با ۹ امتیاز از دو برد، سه تساوی و دو باخت، در میانه‌های جدول جای دارد و مشخص نیست با این شرایط، هواداران سپاهان و مدیران این باشگاه تا کی صبری به خرج خواهند داد و به او فرصت، البته تیم نویدکیا بعد از باخت به الحسین اردن مقابل آخال به برتری رسید اما باید دید تک‌برد در لیگ قهرمانان آسیا می‌تواند کمکی برای این مربی جوان باشد یا او هم قرار است به زودی به سرنوشت هاشمیان دچار شود.

و پرسپولیس از حواشی، گلیه‌ای به درویش بابت عدم جذب بازیکنانی که درخواست داده بود، نکرد و هربراه هم که رسانه‌ها از دست خالی او برای شروع لیگ پرسیدند، گفت که به توانایی‌های شاگردانش باور دارد اما پرسپولیس بازیکن می‌خواست برای ادعای قهرمانی در لیگ و این را هاشمیان زمانی فهمید که دیگر خیلی دیر شده بود و صدای اعتراض هواداران را از روی سکوها نمی‌شد نشنیده گرفت؛ هوادارانی که خوب می‌دانستند مقصر اصلی درویش است اما شاید هاشمیان باید تاوان ایستادن پشت درویش را می‌داد؛ درویشی که سرانجام ناچار به استعفا شد اما هاشمیان را هم با خودش پایین کشید، آن هم در شرایطی که پرسپولیس تنها دو امتیاز با صدر جدول فاصله داشت، اما برای این تیم که سال‌ها قهرمان لیگ

بود و مدعی، کسب ۱۱ امتیاز از دو برد، پنج تساوی و یک باخت نتیجه قابل قبولی نبود و همان نخستین باخت، نسخه هاشمیان را پیچید و او را بعد از کسب دومین بردش در این فصل به سمت در خروجی باشگاه هدایت کرد، البته که وضعیت هدایت بهتر از استقلال بهتر است. پرسپولیس نیز بعد از مدت‌ها سرانجام به هفته هشتم به میبدان رفت که عملکرد قابل دفاعی هم نداشت. به طور کلی باکیج نسبت به سایرین امیدبخش‌تر بوده، بیفوما ضعیف، ارنوف هم کم‌اثر و اوریه هم که دیگر هیچ؛ وضعیتی که نشان می‌دهد پرسپولیس بعد از گذشت هشت هفته هنوز نتوانسته استفاده‌ای که باید از آن خارجی‌های خود داشته باشد. سپاهان هم مثل دو رقیب، فصل را با چند چهره خارجی آغاز کرد، اما



خارجی‌های لیگ، از آلوز درخشان تا باکیج باثبات

دقت پاس بالا و نظم تاکتیکی، توانسته نقطه اتکایی در خط میانی باشد، هر چند او آساری در گل و پاس گل ندارد اما تجربه بازی در لیگ‌های اروپایی، او را به چهره‌ای باثبات در این تیم به خصوص در کمربند میانی و خط هافبک تبدیل کرده است. تیوی بیفوما نیز هنوز نتوانسته عملکردی که در استقلال خوزستان داشت را در پرسپولیس به نمایش بگذارد. این وینگر فرانسوی اگر چه در چند بازی مؤثر بود اما نوسان زیاد و تعویض‌های پیاپی نشان از فاصله او با فرم ایده‌آل و مطلوب دارد. اوستون اورونوف، هافبک ازبکستانی پرسپولیس که همواره یکی از مهره‌های خوب این تیم بوده امسال به دلیل مصدومیت فقط در سه بازی به میدان رفته و فرصت چندانی برای اثبات توانایی‌اش نداشته است. اوریه، بازیکن هایتیایی پرسپولیس نیز بعد از مدت‌ها سرانجام به هفته هشتم به میبدان رفت که عملکرد قابل دفاعی هم نداشت. به طور کلی باکیج نسبت به سایرین امیدبخش‌تر بوده، بیفوما ضعیف، ارنوف هم کم‌اثر و اوریه هم که دیگر هیچ؛ وضعیتی که نشان می‌دهد پرسپولیس بعد از گذشت هشت هفته هنوز نتوانسته استفاده‌ای که باید از آن خارجی‌های خود داشته باشد. سپاهان هم مثل دو رقیب، فصل را با چند چهره خارجی آغاز کرد، اما



در سایر دیدارها درون چارچوب دروازه این تیم قرار گرفته و اگر چه در نخستین بازی لیگ قهرمانان عملکرد ضعیفی داشته اما در لیگ علاوه بر چند کلین‌شیت، با واکنش‌هایش در روزهای سخت امتیازهایی هم گرفته است. در خط دفاع، رستم اشورماتوف ازبکستانی عملکردی منظم و مطمئن داشته و در کنار مدافعان داخلی، انسجام دفاعی تیم را بالا برده، اندونگ اگر چه در میانه میدان با قدرت فیزیکی، دوندگی بالایی داشته اما هنوز در خلق موقعیت توقعات را برآورده نکرده، موسی چنینو هم اگر چه در جناح گاهی خطرناک ظاهر می‌شود اما ثبات ندارد. داکنر نازون، مهاجم فرانسوی هنوز پایش به گل باز نشده، اما در این بین دو خارجی استقلال نمره قابل قبولی گرفته‌اند. یاسر آسانی با گل‌ها و پاس‌هایش که در این مدت چهره اول خط حمله بوده و منیر الحدادی، ستاره سابق بارسلونا که اگر چه گاهی عملکرد ضعیفی از خود به نمایش می‌گذارد اما با تأثیرگذاری به خصوص در بازی‌های آسیایی نشان داده خرید قابل قبولی است.

در پرسپولیس اما ثبات خارجی‌ها کمتر بوده و مارکو باکیج، هافبک مونتنگرویی تنها مهره‌ای است که در تمام بازی‌ها فیکس بوده و با

دنیا حیدری

مدعیان همیشگی لیگ، فصل جاری هم برای دستیابی به اهداف‌شان (قهرمانی و کسب سهمیه آسیا) اقدام به جذب بازیکنان خارجی کردند. در این مسیر، استقلال گوی سبقت را از رقبای خود ربود و هشت بازیکن خارجی خرید که در عین ناباوری یکی از آنها (جلال‌الدین ماشارییوف، وینگر ازبکستانی) به دلیل مصدومیت از همان اردوی آماده‌سازی پیش‌فصل از فهرست تیم کنار گذاشته شد، حداقل تا نیم‌فصل چراکه برخی می‌گویند او اواسط نیم‌فصل دوم میبای بازی می‌شود و برخی نیز می‌گویند اواسط فروردین ماه سال آینده. هر چند شرایط سایرین که در ظاهر شرایط را دارند، چندان از بازیکنان از فهرست خارج شده بهتر نیست!

استقلال این فصل بیش از هر زمان دیگری به بازیکنان خارجی تکیه کرده است. در پی جدایی حسینی، آنتونیو آدان، گلر اسپانیایی تقریباً در روزهای ثابت آبی‌پوشان بوده و جز یکی دو بازی،

